

دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، پیاپی ۲۲، صص ۹۵-۱۲۷

جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۲

مهدی شریعتی فیض‌آبادی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۵

محمود گودرزی**

چکیده

پژوهش حاضر تلاش داشت تا به این سؤال پاسخ دهد که تصمیم‌گیران سیاسی ورزش جمهوری اسلامی ایران «می‌خواهند»، «می‌توانند»، یا «می‌دانند» چگونه از ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک برای توسعه روابط بین‌الملل خود استفاده نمایند؟ در واقع هدف از پژوهش حاضر بررسی جایگاه دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران بود. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی بود که ابزار پژوهش انجام مصاحبه‌های کیفی نیمه‌ساختاریافته با ۱۳ نفر از کارشناسان داخلی و خارجی حوزه علوم ورزشی و روابط بین‌الملل بود. نمونه مورد مطالعاتی داخل کشور با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی، و برای نمونه خارج از کشور با توجه به سوابق علمی، دو نفر از کارشناسان حوزه دیپلماسی ورزش بودند. پس از تحلیل محتوای نوشتار و گفتار، یافته‌های پژوهش در ۱۰ محور برندیگ و پرستیژ بین‌المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون‌رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه‌ای و توسعه قدرت هوشمندانه کادگناری شدند که جمهوری اسلامی ایران تاکنون به دلیل نداشتن استراتژی واحد در زمینه دیپلماسی ورزش و دید «حیات خلوت» به ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است.

واژه‌های کلیدی

دیپلماسی ورزش، ایران، استراتژی، روابط بین‌الملل

* دانشجوی پسادکتری دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

mahdishariatifeiz@ut.ac.ir

M_goudarz@yahoo.com

** استاد دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

مقدمه

اگرچه ورزش - دیپلماسی در سال‌های اخیر به‌عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی توجهات زیادی را به خود جلب نموده است، اما تاریخچه این موضوع به قرن نهم پیش از میلاد بازمی‌گردد؛ طی اولین جشنواره بازی‌های المپیک باستان یک «آتش‌بس المپیک»^۱ یا همان اکچیریا^۲ توسط پادشاهان^۳ آن زمان امضا گردید. آن‌ها در آن زمان توافق کردند تا تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را طی برگزاری بازی به حالت تعلیق درآوردند تا موجبات خشنودی تماشاگران و ورزشکاران این بازی را فراهم نمایند. قرن‌ها پس از آن، ارتباط میان ورزش و دیپلماسی در طول زمان تقویت گردید و آتش‌بس المپیک یادآور این ارتباط و اهمیت روزافزون دیپلماسی ورزش در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به‌عنوان نظریات، سیاست و فرهنگی که در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است (Deos, 2014, p.1174). امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزها را کم‌رنگ و راه‌های بیشتری را برای گفتگو بازی نماید تا از این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع گردند (Murray, 2013, p.14). گریکس ۴ دلیل را برای ورود ورزش به دیپلماسی و روابط بین‌الملل بیان می‌دارد (Grix, 2013, p.20):

۱- ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست‌های یک دولت داشته باشد؛ کشور چین در دهه ۱۹۷۰ میلادی توانست توسط ورزش خود را به جامعه جهانی بقبولاند؛ نمونه بارز این موضوع حمایت چین از ورزشکار خود یائو مینگ^۴ بود که از وی به‌عنوان یک سخنگوی جهانی، نماینده فرهنگ چینی، مدرنیته و پیشرفت جهانی حمایت می‌نماید؛ نمونه دیگر را می‌توان اعزام ۴ نفر بسکتبالیست آمریکایی در ۲۶ آگوست ۲۰۱۲ به کشور میانمار به‌عنوان بخشی از برنامه حمایتی ایالات متحده برای احترام به تنوع نژادی در نظر گرفت که آن‌ها در آن کشور چند کارگاه و آموزشی و کلینیک به راه انداخته‌اند (Murray & Pigman, 2014, p.1116).

۲- رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می‌نمایند؛ میزبانی یک رویداد بین‌المللی دلیلی بر تأیید شهروندی بین‌المللی خوب مردمان آن کشور است؛ ۴/۸ میلیارد نفر از مردم جهان توانستند

سخنرانی ژاک روگ در بازی‌های افتتاحیه را که از ۳۰۰ میلیون بریتانیایی به دلیل به ارمغان آوردن شادی و مسابقات درخشان تشکر می‌نمود، تماشا نمایند.

۳- سومین دلیل این است که دولت‌ها دیگر به ورزش دید پدیدهای اضافه^۵ یا مکان بکر^۶ را ندارد. امروز ورزش به‌نوعی قدرت مطلق تبدیل شده و یکی از ابعاد شش‌گانه جهانی شدن را به خود مانند فدرر، بکام و مسی^۷، حکومت‌هاست.

۴- دیپلماسی رشته‌های ورزشی به حکومت‌ها اجازه می‌دهد تا انعطاف‌پذیری قابل توجهی را در زمانی که روابط دیپلماتیک آن‌ها ضعیف یا قوی هستند، در آن سوی وضعیت سیاسی از خود نشان دهند؛ تعاملات دیپلماسی ورزش مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است. آن‌ها مسیرهای جایگزین برای گفتگو میان ملل و افراد ناآشنا ایجاد و در مواردی ابزاری برای تحریک و یا تنبیه یک ملت است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۲ و پیش از آغاز بازی‌های ۲۰۱۲ لندن، در آرژانتین پیامی تبلیغاتی از تلویزیون پخش گردید که در آن ورزشکاران آرژانتینی در جزایر فاکلند^۸ (جزایری که برای مالکیت آن‌ها میان انگلستان و آرژانتین دعوا وجود دارد) تمرین می‌کردند و شعار آن‌ها در این تبلیغ «برای رقابت در خاک انگلستان، ما در خاک آرژانتین تمرین می‌نماییم» بود که این موضوع باعث شد تا فیلیپ هاموند^۹ وزیر دفاع بریتانیا این تبلیغ را پروپاگاندای «غیرقابل امتحان، بسیار توهین‌آمیز و نامحترمانه» توصیف نماید (Grix & Houlihan, 2014, p.577).

همانند آنچه در دیپلماسی سنتی مانند احترام و پذیرش سفیران، توافق‌نامه‌های مذاکره‌ای و حل مناقشات صورت می‌گیرد، فعالیت ورزش بین‌الملل اساساً به‌صورت ارتباطی و نمایندگی ملل است. همانند سایر اشکال دیپلماسی، ورزش بین‌الملل نیز در صحنه‌ها و ورزشگاه‌های معین اتفاق می‌افتد. تأثیر ورزش بین‌الملل به‌عنوان پدیده‌ای مستقل در ارتباطات دیپلماتیک میان دولت‌ها، مردم و سایر بازیگران می‌تواند به دو طبقه مهم دسته‌بندی شود که هرکدام از این‌ها بخشی مهم از دیپلماسی معاصر را در بعدی وسیع مورد بررسی قرار می‌دهد؛ (۱) ورزش به‌عنوان مقوله‌ای که به طرق مختلف تأثیر مستقیم و مداوم بر روی روابط میان حکومت‌ها، ملل و مردمان داشته است و (۲) شیوه ورزش بین‌الملل که نیازمند بازیگران چندگانه به‌ویژه در حوزه دیپلماتیک دارد تا

از طریق آنان بتواند اجرای رویدادهای ورزشی را ممکن سازد (Murray, 2013, p.195). دیپلماسی ورزش به منزله اکسیری برای دولت‌هاست که به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک بکر و دست‌نخورده می‌تواند افتراق را از بین ببرد و توسعه، گفتگو و پایداری^{۱۱} را ترویج دهد. مؤسساتی که در زمینه ورزش و دیپلماسی فعالیت می‌نمایند، می‌توانند ارزش‌های ورزشی مثبتی از قبیل احترام متقابل، نظم، صبر و تحمل، و دلسوزی را در بین روابط تند و خشن سیاسی افزایش دهند و مایه تلطیف این فضا شوند (Li, 2013: 1733). مورای دیپلماسی ورزش را نوعی اکسیر^{۱۱} می‌داند که فقر، اختلافات و افتراق ملت‌ها از یکدیگر را از بین می‌برد و توسعه بیشتر را ترویج می‌نمایند؛ این پدیده ارزش‌هایی مثبت همانند احترام متقابل، نظم، صبوری، مهربانی و تعهد را تقویت می‌نماید (Deos: 2014, p.1171). وی دلایل مختلفی را مبنی بر حمایت روزافزون از پدیده دیپلماسی ورزش بیان می‌دارد (Murray, 2013, p.193):

۱. تعامل میان ورزش و دیپلماسی تاریخچه‌ای طولانی دارد، اگرچه نظریات این حوزه در دست بررسی و نوظهور است.
 ۲. اگرچه ورزش از جنس اکسیر نیست ولی این پدیده مایه ترویج ارزش‌های سازنده، کاهش افتراق و توسعه تبادلات و گفتار میان افراد و ملل مختلف می‌شود.
 ۳. شبکه‌های بین‌المللی ورزش از طریق ایجاد قدرت نرم و سرمایه اجتماعی باعث ایجاد تعهد، همکاری و ارتباط سازنده دولت‌ها با یکدیگر می‌شوند.
- تاکنون پژوهش‌های کمی درباره تعامل میان دیپلماسی و ورزش انجام شده است و پژوهش‌های انجام‌شده نیز اغلب از ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک سنتی و حکومت‌محور و نه ابزاری واقعی برای اجرای سیاست‌های کارآمد نام برده‌اند. از آنجاکه این نوع از دیپلماسی به‌تازگی مطرح گردیده و تأثیر آن بر روی جامعه جهانی و ارتباطات آن هنوز مشخص نشده است، فاصله و گسست میان دو مقوله دیپلماسی و ورزش موانعی را برای ارزیابی ارزش بحث درباره این مفاهیم به وجود آورده است (Cha, 2013: 1186). در اندک پژوهش‌های کیفی انجام‌شده درباره ایران، چهابی^{۱۲} (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران» به بررسی نقش و جایگاه دیپلماسی ورزشی در برقراری ارتباط بین دو کشور از لحاظ سیاسی

پرداخت. وی به قدرت رسیدن سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۹۹۷ را نقطه آغازی برای رویکرد دوستانه در برابر کشورهای مختلف دنیا در پیش گرفت. خاتمی در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرد که از ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی بین دو کشور همانند دیپلماسی تنیس روی میز نیکسون استفاده شود. امیرتاش (۲۰۰۵)، در پژوهش دیگری با عنوان «ورزش و بازی‌های آسیایی؛ بزرگ‌ترین رویداد رشته‌های ورزشی در آسیا» به بررسی ابعاد مختلف هفتمین دوره بازی‌های آسیایی در سپتامبر ۱۹۷۴ پرداخت؛ وی با واکاوی اطلاعات مجله کیهان ورزشی و دنیای ورزش در طی آن سال‌ها، به بررسی این بازی‌ها پرداخت. در این بازی‌ها ۳۶۰۰ ورزشکار از ۲۵ کشور قاره آسیا (از مجموع ۲۶ عضو فدراسیون بازی‌های آسیایی) در ۱۶ رشته ورزشی (شمشیربازی، ژیمناستیک، هاکی، بدمیتون، تنیس، فوتبال، بسکتبال، تنیس روی میز، بکس، کشتی، وزنه‌برداری، دوچرخه‌سواری، تیراندازی، شنا و دو و میدانی) به رقابت پرداختند که از میان ۱۲۹۲ مدال توزیع شده به ترتیب کشورهای ژاپن (۷۵ طلا، ۷۹ نقره و ۵۱ برنز)، ایران (۳۶ طلا، ۲۸ نقره و ۱۷ برنز) و چین (۳۳ طلا، ۴۵ نقره و ۲۸ برنز) بر سکوی اول تا سوم ایستادند. در این بازی‌ها چین پس از ۳۷ سال غیبت از تمامی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی، توانست برای اولین بار در این بازی‌ها شرکت کند؛ همچنین رشته‌های ژیمناستیک و شمشیربازی نیز برای اولین بار به بازی‌های آسیایی راه یافتند. در این میان، ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان این بازی‌ها را پوشش رسانه‌ای دادند. وی به دلیل آمادگی فوق‌العاده شهر میزبان (تهران)، فناوری پیشرفته، اقدامات امنیتی دقیق و سازمان‌دهی مناسب در کنار روابط سیاسی-اجتماعی مناسب، این بازی‌ها را همواره در خاطر مردم آسیا می‌داند. فزونی^{۱۳} (۲۰۰۷)، نیز در مقاله خود با عنوان «دین، سیاست و طبقه اجتماعی؛ تضاد و رقابت در فوتبال ایران» توسعه مذهبی، طبقاتی، جنسیتی و نژادی را از طریق فوتبال در ایران مورد بررسی قرار داد؛ وی فوتبال را انعکاس «ساخت ملی» حکومت ایران می‌داند و آن را ماحصل قدرت‌نمایی مذهب با طبقات اجتماعی می‌داند. از نظر فزونی، ناتوانی حکومت در کنترل منازعات فوتبالی کشور ایران موجبات تضعیف حکومت را فراهم می‌آورد و این موضوع خود دستمایه حمایت

بیش‌ازپیش آنان از رشته ورزشی کشتی به‌عنوان ورزش ملی می‌شود؛ او معتقد است فوتبال فضایی پرتلاطم و مناسب برای بروز تعارض‌ها و تضادهای مختلف است. از دید وی پیش از انقلاب رژیم پهلوی و پس از انقلاب نیز دولت‌های وقت از فوتبال استفاده ابزاری نمودند و به‌عنوان اهرمی سیاسی و اقتصادی برای رسیدن به اهداف حکومتی خود استفاده می‌نمودند. نصیری مقدم (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «تبیین رابطه جام جهانی فوتبال با روابط خارجی کشورها»، از ورزش مؤلفه جام جهانی فوتبال و از جغرافیای سیاسی مؤلفه روابط خارجی را انتخاب و تأثیر درخشش در جام جهانی، کسب میزبانی، و پخش بازی‌ها را بر جایگاه سیاسی و بهبود روابط خارجی کشورها مورد بررسی قرار داد. وی در نهایت درخشش در بازی‌های جام جهانی را بر بهبود روابط خارجه کشورها مؤثر دانسته است. وی در بخشی از پایان‌نامه خود کارکردها و اثرات ورزش را در موارد زیر خلاصه می‌نماید:

جدول ۱. کارکردها و اثرات ورزش

کارکردهای ورزش	اثرات ورزش
تحکیم ارزش‌های انسانی	انتقال مفاهیم اخلاقی
همبستگی و همگرایی قومیت‌ها	افزایش غرور ملی و دستیابی به اهداف مشترک
افزایش مشارکت سیاسی	برانگیختن حس شهروندی
حضور و شرکت در مسابقات	تسریع صلح میان دولت‌ها
موفقیت در عرصه ورزش	کسب اعتبار و حیثیت بین‌المللی
پخش رسانه‌ای ورزش	شکل‌دهی به افکار عمومی و تعادل اجتماعی
جهانی شدن ورزش	درآمدزایی و سود هنگفت اقتصادی
میزبانی مسابقات بزرگ ورزشی	احیای شهر میزبان و افزایش اعتبار

از نظر قدرت سیاسی، در محیط استبدادی و استعمارزده منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک ایران، به دلیل وجود حکومت مستقر و مستقل، بسیار حائز اهمیت است. افزایش رفت‌وآمد مقامات خارجی به تهران، نشان‌دهنده تغییر رویکرد این کشورها نسبت به ایران است؛ تغییری که به‌نوبه خود از تغییر در سیاست خارجی و دیپلماسی

کشورمان نشئت می‌گیرد. با آغاز به کار دولت یازدهم، تحرک چشمگیری در حوزه سیاست خارجی کشور و تعامل با کشورهای جهان آغاز شد، تحرکی که توافق هسته‌ای وین را می‌توان نقطه عطف آن دانست. همچنین تمایل کشورهای جهان به تعامل با ایران، نشان‌دهنده درک آنان از تغییری است که در ایران صورت گرفته است؛ تغییری که در آن تعامل و ارتباط سازنده با جهان، یکی از پایه‌های اقتدار کشور محسوب می‌شود. در این میان و از یک سو با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران در عرصه جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص، و از سوی دیگر حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران در رویدادهای بین‌المللی پربیننده مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال و لیگ جهانی والیبال فرصتی است مغتنم تا ضمن کاهش فشار جامعه جهانی، نخبگان ورزش کشور به ارتقای جایگاه ایران در ساختار جدید جهانی کمک نمایند. لذا پژوهش حاضر تلاش کرد تا ضمن بررسی وضعیت دیپلماسی ورزش در ایران، جایگاه آن را در «ساختار و هندسه جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران تبیین نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از تحلیل محتوا انجام شده است. رویکرد کیفی تلاشی است جهت توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها، حوادث و تلاشی برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی مرود نظر انسان در موقعیت‌های طبیعی. در روش کیفی، نوعی نگاه امیک^{۱۴} (نگاه درون)، به پدیده‌ها وجود دارد. در این حالت مقولات فکری گروه مورد تحقیق برای توصیف نگرش و رفتارهایشان مورد تأیید قرار می‌گیرد و توجه به تجربه و شرح آن از خصوصیات محوری تحقیق کیفی است (ایزدی و همکاران: ۱۳۹۰، ص ۳۰). از سوی دیگر تحلیل محتوای کیفی به‌عنوان بخشی از پژوهش‌های کیفی، رویکردی کلی و جامعی نسبت به تحلیل داده‌های مورد بررسی دارد و به همین دلیل می‌کوشد تا به‌طور کامل بر پیچیدگی‌های مسائل اجتماعی تحت بررسی فایق آید. هیژمن^{۱۵} ۸ نوع تحلیل محتوا را شناسایی کرده و توضیح داده است، که عبارت اند از: تحلیل معانی بیان، تحلیل اسطوره و روایت، تحلیل گفتمان، تحلیل

ساختاری یا نشانه شناختی، تحلیل تفسیری، تحلیل محاوره، تحلیل انتقادی و تحلیل طبیعی (شریعتی فیض آبادی: ۱۳۹۴، ص ۱۱۹).

بنابراین پژوهش حاضر برای دستیابی به این مزیت روش کیفی با استفاده از رویکرد کیفی صورت گرفته و داده‌های حاصله با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته^{۱۶} در ۱۰ محور برندینگ و پرستیژ بین‌المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون‌رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه‌ای و توسعه قدرت هوشمندانه جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر برابر با تمامی متخصصین حوزه دیپلماسی ورزش بود. از آنجاکه حجم نمونه در تحقیقات کیفی دارای میزان و تعداد مشخصی نیست و تعداد نمونه بر اساس میزان اطلاعات به دست آمده و به اشباع رسیدن اطلاعات تعیین می‌شود؛ بنابراین اطلاع‌رسان‌های انتخابی برای این پژوهش شامل ۱۳ نفر بود که به صورت نمونه‌گیری مستقیم یا گلوله برفی انتخاب گردیدند.

جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل به این صورت انجام شد که عموماً نمونه‌های اولیه به صورت تصادفی و اتفاقی و نمونه‌های بعدی از طریق معرفی توسط نمونه‌های اول صورت می‌گرفت به انجام مصاحبه با آن‌ها پرداخته می‌شد که عموماً این مصاحبه‌ها ضبط می‌شد. در مرحله بعدی مصاحبه‌های انجام شده بر روی کاغذ پیاده‌سازی می‌شد و دو مرحله کدگذاری باز^{۱۷} شامل خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات و طبقات اولیه و کدگذاری محوری^{۱۸} شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیر طبقات، تشکیل طبقات نهایی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت (مطلبی فرد و همکاران: ۱۳۹۱، ص ۹۰). برای حصول از اطمینان از اعتبار تجزیه و تحلیل نتایج، اقدامات مختلفی صورت گرفت. به این صورت که اولاً بعد از پیاده‌سازی اولیه کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده به وسیله چند محقق صورت گرفته^{۱۹} و اختلافات موجود شناسایی و رفع می‌شد و ثانیاً مقولات و زیر مقولات استخراج شده و نهایی با برخی از افراد مصاحبه شده^{۲۰} در پژوهش در میان گذاشته شده و دیدگاه‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و تأیید نهایی می‌شدند.

جدول ۲. ویژگی‌های دموگرافیک نمونه مطالعاتی

متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۳	۱۰۰
	زن	۰	۰
تحصیلات	کارشناسی	۲	۱۵/۳
	کارشناسی ارشد	۱	۷/۶
	دکتر	۱۰	۷۶/۹
تخصص (۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان علاوه بر داشتن کرسی تدریس در دانشگاه، سمت اجرایی عالی نیز در ورزش کشور داشتند)	استاد دانشگاه حوزه علوم ورزشی	۵	۳۸/۴
	مقامات عالیه ورزش کشور	۶	۴۶/۱
	استاد دانشگاه حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی	۲	۱۵/۳
ملیت	ایرانی	۱۱	۸۴/۶
	غیرایرانی	۲	۱۵/۳
متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۳	۱۰۰
	زن	۰	۰
تحصیلات	کارشناسی	۲	۱۵/۳
	کارشناسی ارشد	۱	۷/۶
	دکتر	۱۰	۷۶/۹
تخصص (۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان علاوه بر داشتن کرسی تدریس در دانشگاه، سمت اجرایی عالی نیز در ورزش کشور داشتند)	استاد دانشگاه حوزه علوم ورزشی	۵	۳۸/۴

متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
بر داشتن کرسی تدریس در دانشگاه، سمت اجرایی عالی نیز در ورزش کشور داشتند)	ورزشی		
	مقامات عالیه ورزش کشور	۶	۴۶/۱
	استاد دانشگاه حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی	۲	۱۵/۳
ملیت	ایرانی	۱۱	۸۴/۶
	غیرایرانی	۲	۱۵/۳

یافته‌ها

با استفاده از مطالعه ادبیات پیشینه و مصاحبه با ۱۳ تن از متخصصین، مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش شناسایی و در نهایت نام‌گذاری گردیدند که در جدول زیر نشان داده شده است. در این مرحله با استفاده از معیارها و یا مؤلفه‌های شناسایی شده یک رابطه محتوایی میان هر جفت از مؤلفه‌ها شناسایی می‌شود^{۲۱}. روابط محتوایی بین دو جز به چندین صورت طبقه‌بندی می‌شود که از جمله آن‌ها رابطه تعریفی^{۲۲}، مقایسه‌ای^{۲۳}، تأثیری^{۲۴}، زمانی^{۲۵}، فضایی^{۲۶} و ریاضی^{۲۷} را می‌توان نام برد که در این پژوهش ما از رابطه تأثیری بهره بردیم.

جدول ۳. دسته‌بندی نتایج تحلیل محتوا مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیپلماسی ورزش

نام گذاری محقق بر اساس ادبیات	مؤلفه‌های استخراج شده	نتایج تحلیل محتوای نوشتار و مصاحبه‌ها
توسعه قدرت هوشمندانه	مؤلفه ۱	نشان‌های ورزشی معروف مصداقی از قدرت نرم کشورها هستند.
		معرفی و موفقیت یک کشور در مسابقات ورزشی باعث رشد و پیشرفت گردشگری و سرمایه‌گذاری اقتصادی دیگر کشورها در آن شود.
		ورزش موجب توجه مردم به سایر جذابیت‌ها و جاذبه‌های عمومی یک کشور می‌شود.
		ورزش موجبات توسعه پایدار و چندگانه ملت‌ها را ایجاد می‌کند.
		ورزش باعث می‌شود که یک کشور به جامعه‌ای باز، مدرن و یک قطب جهانی اقتصاد تبدیل گردد.
بعد نزدیک	مؤلفه ۲	ورزش موجب ایجاد جنگ روانی میان دولت‌هاست.
		ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای انتقام‌جویی و منبعی برای کارهای غیراخلاقی است.
		ورزش می‌تواند اهداف نامشروع سیاسی یک کشور را مشروع جلوه دهد.
		ورزش سلاحی برای انقلاب و سمبلی جنگ مانند برای افروختن دشمنی‌هاست.
		رویدادهای ورزشی عرصه‌ای را برای دشمنی‌های سیاسی و عقیدتی فراهم می‌آورد.
		ورزش موجبات قتل، تحریم و یا دعوای سیاسی را فراهم می‌آورد.
		ورزش بستری مناسب برای فعالیت‌های تروریستی و تظاهرات است.
		ورزش بازنمایی نژادی و جنسی را به همراه دارد.
		ورزش ابزاری برای تحریک و خشمگین نمودن یک کشور است.
		ورزش ابزاری در جهت ترویج قدرت و هژمون (سلطه) است.
		ورزش بستری را برای تقلب، مشاجره، شرط‌بندی و مصرف مواد مخدر فراهم می‌آورد.
		شیئی‌سازی ورزشکاران یکی از ابزارهای مورد استفاده سیاستمداران است.

نتایج تحلیل محتوای نوشتار و مصاحبه‌ها	نام‌گذاری محقق بر اساس ادبیات	مؤلفه‌های استخراج‌شده
<p>ورزش ارتباطات رسانه‌ای روزانه (مطبوعات و ...) میان ملل را افزایش می‌دهد. ورزش دستمایه انقلاب ارتباطات و اطلاعات است. رویدادهای ورزشی نوعی اطلاع‌رسانی دوطرفه است (برخلاف روابط دیپلماتیک سستی).</p> <p>ورزش می‌تواند موجبات استفاده از شبکه‌های جهان‌گستر را فراهم آورد. ورزش ابزاری در جهت انتقال تصویر و پیام دیپلماتیک است. انعکاس رسانه‌ای رویدادهای ورزشی موجب همگرایی سیاست و ورزش می‌شود.</p>	تعاملات رسانه‌ای	مؤلفه ۳
<p>ورزش برون‌ده‌های اقتصادی را افزایش و موجب بازسازی نهادهای داخلی را فراهم می‌آورد.</p> <p>برگزاری رویدادهای ورزشی موجبات تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد تسهیلات مناسب می‌شود.</p> <p>ورزش بستری را برای ایجاد امنیت سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی یک کشور فراهم می‌آورد.</p> <p>ورزش بستری را برای تجارت آزاد و بهبود وضعیت کار فراهم می‌آورد. عرصه ورزش بازاری برای فروش ابزار و وسایل، تولید ثروت و شکوفایی اقتصادی است.</p> <p>ورزش می‌تواند به رشد اقتصاد داخلی کمک و میراثی ماندگار برای کشورها برجای گذارد.</p>	توسعه اقتصادی	مؤلفه ۴
<p>ورزش می‌تواند صلح میان دولت‌ها و ثبات بین‌المللی را ایجاد و تقویت نماید. ورزش باعث از بین رفتن موانع (فقر، بیماری، جنگ و ...) توسعه کشورها می‌شود. ورزش باعث کاهش رقابت‌های بین‌نژادی و تعارضات فردی می‌شود. ورزش می‌تواند جایگزینی برای جنگ و دیپلماسی نظامی بوده و موجبات دوستی بین‌المللی را فراهم آورد.</p> <p>ورزش پدیده‌ای در جهت دفاع از افراد و گروه‌های تحت ستم و محروم است.</p>	صلح و دوستی	مؤلفه ۵

نتایج تحلیل محتوای نوشتار و مصاحبه‌ها	نام گذاری محقق بر اساس ادبیات	مؤلفه‌های استخراج شده
<p>ورزش با هرگونه فعالیت فخرآمیز بین المللی مخالفت است و بستری را برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات فراهم می آورد.</p> <p>ورزش ابزاری است تا مردم یک کشور در مقابل مردم کشور دیگر قرار گیرند.</p> <p>ورزش اهمی برای رعایت حقوق بشر، اجرای استانداردهای آن و ارائه خدمات بشر دوستانه است.</p> <p>ورزش ابزاری ضد زورافزایی (دوپینگ)، تنوع نژادی، قومی، منطقه‌ای و طبقاتی است.</p>		
<p>ورزش بستری را برای کسب مهارت‌های حیاتی زندگی فراهم می آورد و صبر و تحمل افراد را افزایش می دهد.</p> <p>تیم‌های ورزشی با نشان دادن فرهنگ خود در جریان مسابقات ورزشی می تواند دیگران را به ایجاد روابط خارجی با خود برانگیزانند.</p> <p>رویدادهای ورزشی می تواند به توسعه علم و فناوری در کشور میزبان کمک نماید.</p> <p>رویدادهای ورزشی می تواند به بهبود فرهنگ عمومی تماشاچیان کشور میزبان کمک نماید.</p> <p>ورزش می تواند خرده فرهنگ‌ها را به یکدیگر نزدیک و میان آن‌ها پل بزند.</p> <p>ورزش موجب بهبود اخلاق، تعهدات اجتماعی، نظم و اعتماد به نفس می شود.</p> <p>ورزش گوناگونی مذهبی را کاهش و بستری را برای نمایش فرهنگ ملی و ارائه ارزش‌ها فراهم می آورد.</p> <p>ورزش یک کشور نشان دهنده طرز فکر عامه مردم یک کشور است.</p> <p>ورزش موجب تقویت مفهوم «شهروند بین المللی» و ابزاری در جهت انتقال دیدگاه‌ها و آرزوهای یک دولت است.</p> <p>ورزش موجب گسترش روابط پایدار افراد کلیدی کشورها (دانشگاهیان، نخبگان و...) با یکدیگر می شود.</p> <p>ورزش ابزاری برای تأسیس مراکز فرهنگی، انجمن‌های دوستی و تفاهم‌نامه‌های</p>	<p>توسعه فرهنگی</p>	<p>مؤلفه ۶</p>

نتایج تحلیل محتوای نوشتار و مصاحبه‌ها	نام‌گذاری محقق بر اساس ادبیات	مؤلفه‌های استخراج‌شده
خواهرخواندگی میان دولت‌هاست.		
ورزش می‌تواند بستری را برای تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی کشورها به وجود آورد.		
ورزش ابزاری در جهت آموزش ارزش‌ها و ایجاد و تقویت روحیه جوانمردی در افراد است.		
ورزش محیطی را برای تخلیه پرخاشگری فراهم و ابزاری در جهت کاهش خشونت جهانی است.		
ورزش بستری مناسب برای جذب جوانان و فعالیتی کمکی در جهت ساخت شخصیت آنان است.		
میزبانی رویدادهای ورزشی فرصتی را برای تبادل اطلاعات و تسهیم تجارب ایجاد می‌نماید.		
ورزش برون‌ده‌های اجتماعی را افزایش و به توسعه منابع فرهنگی کمک می‌نماید.		
رویدادهای ورزشی فرصتی را برای توسعه سرمایه دانش جهانی فراهم می‌آورد.		
ورزش جامعه‌پذیری جوانان و بزرگسالان را افزایش می‌دهد.		
ورزش بستری مناسب برای ابراز طیف گسترده‌ای از احساسات و تغییرات عقیدتی افراد است.		
ورزش موجب شکل‌دهی به افکار عمومی و قسمتی از منابع قدرت نرم است.		
ورزش باعث انتقال مفاهیم اخلاقی و ارائه الگو مناسب می‌شود.		
ورزش پررنگ‌ترین نوع دیپلماسی فرهنگی است.		
شرکت در ورزش نشانه تمدن، سلامت و شادکامی یک کشور است.		
آوردگاه رویدادهای ورزشی، جایگاه قدرت‌نمایی کشورهای پیشرفته یا نوظهور است.	بزرگ‌بینی و پرستیژ بین‌الملل	مؤلفه ۷
موفقیت در رویداد ورزشی می‌تواند به افزایش قدرت یک کشور و جهانی شدن قدرت یک کشور کمک نماید.		

نتایج تحلیل محتوای نوشتار و مصاحبه‌ها	نام‌گذاری محقق بر اساس ادبیات	مؤلفه‌های استخراج‌شده
<p>ورزش دستاویزی برای پذیرش حقوق یک کشور در جامعه جهانی است.</p> <p>ورزش می‌تواند معیاری در جهت مقایسه قدرت کشورها باشد.</p> <p>ورزش می‌تواند به «فرد» نیز در کنار جمع قدرت تأثیرگذاری بین‌المللی دهد.</p> <p>دلآوری‌های ورزشی در رویدادهای بزرگ ورزشی شاخصی در جهت سنجش قدرت کشورهاست.</p> <p>موفقیت در رویدادهای ورزشی نشان‌دهنده چهره توانمند داخلی یک کشور است.</p> <p>ورزش ابزاری در جهت دستیابی به ذهن و قلب مخاطب جهانی است.</p> <p>موفقیت در رویدادهای ورزشی و میزبانی این مسابقات می‌تواند قدرت نرم کشورها را تقویت نماید.</p> <p>ورزشکاران، مربیان و... کشورها مصداقی از قدرت نرم کشورها هستند.</p>		
<p>ورزش می‌تواند به آمادگی افکار عمومی برای رخدادهای نوین سیاسی کمک نماید.</p> <p>ورزش به استقرار نظم و دموکراتیک شدن نظام هر کشور کمک می‌نماید.</p> <p>ورزش باعث کاهش کلیشه‌ها، تنش‌های سیاسی و تضادهای ایدئولوژیک هر کشور می‌شود.</p> <p>موفقیت در رویدادهای ورزشی باعث تکامل نظام دولت ملی می‌شود.</p> <p>ورزش به رشد، توسعه و نوسازی دولت‌ها کمک می‌نماید.</p> <p>ورزش می‌تواند محیط خارجی و داخلی کشورها را به هم پیوند دهد.</p> <p>ورزش موجبات نزدیکی جغرافیایی سیاسی به جغرافیایی طبیعی است.</p> <p>ورزش موجبات ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی کشورها را فراهم می‌آورد.</p> <p>ورزش دستورالعمل‌های ضعیف سیاسی را بهبود و خلأهای سیاسیون را پر نماید.</p> <p>ورزش می‌تواند محیطی را برای اتخاذ تصمیمات سیاسی فراهم و ابزاری در جهت کسب ارزش‌های سیاسی باشد.</p> <p>ورزش ابزاری برای محو نمودن محدودیت‌های ژئوپلیتیکی است.</p>	توسعه سیاسی	مؤلفه ۸

نتایج تحلیل محتوای نوشتار و مصاحبه‌ها	نام‌گذاری محقق بر اساس ادبیات	مؤلفه‌های استخراج‌شده
<p>موفقیت در رویداد ورزشی می‌تواند موجب همبستگی و وحدت ملی شود.</p> <p>ورزش می‌تواند افکار عمومی را با دولت همراه سازد.</p> <p>ورزش می‌تواند موجبات شادی خودجوش مردم را فراهم و شور زندگی را در آنان تقویت نماید.</p> <p>موفقیت در رویدادهای ورزشی وحدت، همگرایی، هویت، غرور و انسجام ملی را تقویت می‌نماید.</p> <p>مشاغل ورزشی می‌توانند هویت ملی یک کشور را تقویت نمایند.</p> <p>ورزش نقطه کانونی اجتماعات جهانی امروز و دستمایه ساخت ملی است.</p> <p>ورزش ابزاری برای تشویق ملی‌گرایی و ادغام اقلیت‌هاست.</p> <p>ورزش باعث تقویت حس قلمرو خواهی و برانگیخته شدن حس شهروندی می‌شود.</p>	وحدت و همگرایی	مؤلفه ۹
<p>حضور یک کشور در رویدادهای ورزشی می‌تواند یک کشور را از انزوای سیاسی و ژئوپلیتیکی خارج نماید.</p> <p>میزبانی و برگزاری موفقیت‌آمیز رویدادهای ورزشی موجب ارتقای جایگاه سیاسی یک کشور می‌شود.</p> <p>با کسب درآمد از میزبانی رویدادهای ورزشی می‌توان به جایگاهی بالاتر در عرصه سیاست خارجی دست یافت.</p> <p>موفقیت در رویداد ورزشی موجب احترام بین‌المللی می‌شود.</p> <p>ورزش می‌تواند فشارهای سیاسی سایر کشورها را بر روی کشوری خاص کاهش دهد.</p> <p>میزبانی رویدادهای ورزشی موجب خودباوری نخبگان سیاسی کشور می‌شود.</p> <p>ورزش ابزاری برای به رسمیت نشناختن یک دولت است.</p> <p>ورزش می‌تواند با انزوای سیاسی مقابله و بستری را برای تشریح و تبلیغ ایدئولوژی سیاسی است.</p>	مبارزه با انزوا	مؤلفه ۱۰

جمع بندی

به منظور مفهوم شناسی و جایگاه شناسی دیپلماسی ورزشی در نظام جمهوری اسلامی ایران بایستی در ابتدا به مفهوم دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و در نهایت دیپلماسی ورزشی به عنوان یکی از اجزا روابط بین الملل ج.ا.ا پرداخت. با نگاهی کوتاه به جغرافیایست، ایران به خوبی متوجه می شویم جغرافیای سیاسی ایران وابسته به عواملی چون انسان، فرهنگ، حکومت، حاکمیت و ... وضعیت یکسانی نداشته و در هر عصر و زمانی پذیرای تحول و تطور گردیده است. در طول تاریخ پرفرازونشیب کشور ما گاهی این دو موقعیت جغرافیایی برهم منطبق بوده اند، در چنین مواردی دورانی از ثبات و قدرت را در تاریخ ایران شاهد هستیم. حال آنکه در بیشتر سال ها به دلایل مختلفی از جمله آشوب های داخلی، دخالت دولت های بیگانه و ... این دو مقوله از یکدیگر جدا بوده اند. یکی از مصاحبه شوندگان تغییر رویکرد دستگاه دیپلماسی ایران، پیش و پس از انقلاب اسلامی را به خوبی توضیح می دهد:

«با مطالعه روزنامه های کیهان و اطلاعات در زمان پس از جنگ می توان این موضوع را دریافت: بعد از جنگ تمرکز ما از کشورهای غربی برداشته شده است. قبل از انقلاب دیپلماسی عمومی تمرکز بر روی آمریکا و چندین کشور اروپایی بود. بعد از انقلاب، ما انقلاب ضد سلطه بودیم، به ویژه در دهه شصت. تمرکز ما در آن زمان بر کشورهای در حال توسعه (همان جهان سوم با ادبیات استعماری خودشان) بود. به عقیده من ما بیش از حد در زمان شاه به غرب مراجعه کردیم. این موضوع به ۳ دلیل اشتباه بود:

(۱) نباید در این مسیر حرکت کنیم.

(۲) تأثیرگذاری بر غرب سخت است.

(۳) سرمایه گذاری بیش از حد بر روی غرب با توجه به امکانات محدود

اشتباه بود.»

در این میان چنانچه دیپلماسی عمومی را ماحصل سه بخش تبادل فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی و پخش رسانه ای دانسته و طیف گسترده فعالیت های آن را تفاهم نامه های خواهرخواندگی، تأسیس مراکز فرهنگی، همکاری های علمی پژوهشی،

همکاری بین‌سازمانی و ... تعریف نماییم، به این نقطه خواهیم رسید که دیپلماسی عمومی در کشور ما توان مقابله با شبیخون فرهنگی و تبلیغات گسترده هراس‌انگیز ضد جمهوری اسلامی ایران را پس از انقلاب نداشته است؛ یکی از مصاحبه‌شوندگان که سال‌ها در جلوی دوربین شبکه‌های خبری مانند سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی قرار دارد، در این باره به نکته خوبی اشاره کرد:

«از نظر من اساساً دیپلماسی عمومی در کشور ما بسیار ضعیف است. دیپلماسی عمومی صرفاً به مصاحبه وزیر امور خارجه منتهی نمی‌شود. قدرت نرم و دیپلماسی عمومی به بروکراسی ختم نمی‌شود بلکه نیاز نگاه غیردولتی و نرم دارد. ما حتی سایت شورای امنیت ملی، ریاست جمهوری، وزارت خارجه و ... درستی نداریم. بنده خود به‌عنوان یکی از مصاحبه‌شوندگان شبکه‌های مختلف خارجی مانند سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی بارها با این مشکل مواجه شده‌ام که خبرنگار خارجی نمی‌تواند به خوبی با دفتر ریاست جمهوری مکاتبه کند. حال آنکه امروزه بیشترین سرمایه‌گذاری در فضای مجازی است. حتی وب‌سایت نیز دیگر قدیمی شده است. امروز تلگرام، چت و ... جوابگوی نیازها هستند. به عنوان مثال همین اخیراً توافق اولیه ژنو ساعت ۲-۳ صبح بود. آن‌ها لحظه‌به‌لحظه گزارش می‌دانند، فوراً روی وب‌سایت وزارت خارجه آمریکا توافق کامل آمد. درحالی که اصلاً ما خبر نداشتیم. حال آنکه سایت مرجع خبری خبرگزاری‌های داخلی ما در ابتدای روز بعد وزارت خارجه آمریکا بود. در واقع آن‌ها در همان لحظات اول جهت را داده‌اند و فعالیت‌های ما دیگر تقلیدی است و فایده‌ای ندارد.»

این اتفاقات سبب شده تا آنچه در اذهان بیشتر مردم غرب از ایدئال‌ها، آرمان‌های ملی، نهادهای داخلی، فرهنگ‌ها، هنجارها و اهداف سیاسی و ملی ایران است با آنچه در واقعیت وجود دارد فاصله‌ای عمیق دارد. در این میان ورزش به‌عنوان یکی از حلقه‌های مفقوده این زنجیره در دو بعد می‌تواند به سیاست خارجه کمک نماید. یکی از مصاحبه‌شوندگان که سابقه عضویت در کمیته بین‌المللی المپیک را دارد، تقسیم‌بندی مناسبی از دیپلماسی ورزشی ایران ارائه می‌دهد:

«دیپلماسی ورزشی را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

الف- دیپلماسی ورزشی در جهت ارتباط ورزشی با سایر کشورها و نهادهای بین المللی ورزش در جهت حفظ منافع ورزشی ایران و تأثیرگذاری در تصمیمات ورزش بین المللی.

ب- دیپلماسی ورزشی هم جهت و همسو با دیپلماسی سیاسی کشور و در جهت روان سازی روابط سیاسی بین ایران و سایر کشورها».

وی در ادامه گفت:

«قبل از پیروزی انقلاب در این خصوص (مورد الف) توجهی عامدانه می‌گردیده است؛ اگرچه مبهم است ولی نشانه هایی از حضور ورزشی در مجامع بین المللی دیده می‌شود. هرچند برخی انتخاب غلامرضا پهلوی را به عنوان عضو IOC نشانه‌های توجه به این امر می‌دانند اما قطعاً می‌توان گفت که غلامرضا پهلوی با شخصیت ضعیفی که داشت - اسدالله علم در خاطراتش به آن صحنه گذاشته - اصولاً فاقد خصوصیات ارتباطی و اجرایی بوده است؛ وی بیشتر مایل به داشتن عنوان بوده و نه کار مفید. پس از انقلاب هم سیاست مشخص و صریحی در این خصوص وجود نداشته است اما کوشش برخی افراد برای حضور در مجامع بین المللی مثمر ثمر بوده و حاصل آن هم داشتن چند پست مهم بین المللی بوده که هم‌اکنون وجود دارد».

مصاحبه شونده دیگری ضمن تأکید بر سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی رشته‌های تیمی توپ‌بازی به عنوان رشته‌های ورزشی که خواست عامه مردم جهان هستند، به نمونه موردی مناسبی در این زمینه اشاره کرد:

«در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، علی دایی، خداداد، مهدوی کیا و ... به عنوان نمایندگان ما در ویتترین جام جهانی باعث حضور ایرانیان در لیگ‌های اروپایی شدند. به عقیده من همین ویتترین‌ها و رویدادهای بزرگ ورزشی هست که سبب شناسایی کشورهای نوظهور می‌شود».

در گذر تاریخ نیز می‌توان کسب موفقیت در رشته‌های مختلف ورزشی و برگزاری رویدادهای بین المللی چند و تک رشته‌ای جهانی را می‌توان زمینه‌ساز توسعه روابط

دیپلماتیک ورزش با سایر کشورها دانست؛ به‌عنوان نمونه بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ در حالی در تهران برگزار گردید که ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان این بازی‌ها را پوشش رسانه‌ای دادند. امیرتاش (۲۰۰۵) به‌دلیل آمادگی فوق‌العاده شهر میزبان (تهران)، فناوری پیشرفته، اقدامات امنیتی دقیق و سازمان‌دهی مناسب در کنار روابط سیاسی-اجتماعی مناسب، این بازی‌ها را همواره در خاطر مردم آسیا گزارش می‌کند.

پس از انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان اولین میزبان بازی‌های غرب آسیا در سال ۱۹۹۷ توانست بسیاری از تعارضات ورزشی خود را با امیرنشینان حوزه خلیج فارس حل نماید.

در شکل دوم، یعنی استفاده از فعالیت‌های ورزشی در بعد سیاسی می‌توان گفت چه قبل و چه پس از انقلاب سازوکارهای ما شکلی منفعلانه داشته و در حقیقت پیچیدگی سیاست خارجه ما موجبات قربانی شدن دیپلماسی عمومی به شکل عام و دیپلماسی ورزشی به شکل خاص در عرصه بین‌الملل گردیده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان ضمن علاقه‌مند خواندن روسای جمهور ما به مقوله ورزش، آن‌ها را فاقد «ادراک ورزشی» می‌داند و می‌افزاید:

«من فکر می‌کنم ما به‌هرحال در روابط بین‌الملل به خاطر شرایط بعد از انقلاب توسط دولت‌های غرب ایجاد شد؛ یکی از کشورهای منزوی دنیا بودیم و سال‌ها در این حوزه دچار مشکل در ایجاد روابط بین‌الملل با سایر کشورها بودیم. به‌عنوان مثال حتی در حال حاضر نیز تعداد کشورهایی که ما می‌توانیم بدون ویزا به آن‌ها سفر کنیم ۳ یا ۴ کشور است. در صورتی که کمترین میزان برای این شاخص و داشتن یک رابطه استاندارد جهانی ۱۵ کشور است.»

سال‌های پیش از انقلاب که با سرسپردگی کامل رژیم پهلوی به غرب همراه بود، ورزش را به‌ندرت می‌توان در ادبیات سیاسی تصمیم‌گیران حکومتی دید. در آن زمان به دلیل رونق بازار نفتی جهان از یک سو و تلاش حکومت برای نمایش شکوه و جلال

پادشاهی خود اتفاقی میمون برای اولین و آخرین بار در تاریخ ورزش کشور افتاد؛ بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران.

ایرانی‌ها در اولین سال‌های پس از انقلاب (۱۳۵۷/۱۹۷۹) و در بجه‌جبه جنگ سرد با الگو قرار دادن دکترین سیاست خارجی و شعار رهبر کبیر انقلاب «نه شرقی نه غربی» بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس‌آنجلس را با شعار ساده «ما بازی نمی‌کنیم» تحریم نمودند که این موضوع تا به امروز در بین تمام کشورهای عضو کمیته بین‌المللی المپیک، منحصربه‌فرد بود؛ ایران تنها کشور جهان است که هر دو دوره این بازی‌ها را تحریم نموده است. این موضوع خود نشان‌دهنده بخشی از تلاطم، آشوب و بی‌برنامگی در آن زمان است. این انزوای ۸ ساله در کنار ادبیات تحریم و ترور غرب، خود بستری را برای انزوای روزافزون ج.ا.ا فراهم می‌نمود.

اواخر دهه ۶۰ شمسی و با شروع جنگ تحمیلی (۱۳۵۹) توسط رژیم غاصب صدام، نه تنها ورزش بلکه مجموعه سیستم روابط خارجه ج.ا.ا همانند سایر اجزا و بخش‌های کشور صرفاً به دنبال مقاومت نظامی در برابر دشمن متخاصم بودند. کارکرد وطن‌پرستی و میهن‌دوستی ورزش را در آن زمان می‌توان به‌خوبی در میان ورزشکاران ایرانی مشاهده نمود جایی که به‌عنوان نمونه یکی از مصاحبه‌کنندگان گفت:

«در بازی‌های ۱۹۸۲ دهلی نو کشتی‌گیر ما پس از پیروزی بر حریف عراقی و در اوج جنگ تحمیلی بر روی سینه وی به نشانه پیروزی نشست.»

یکی دیگر از متخصصان در خلال صحبت‌ها به نمونه جالبی در آن زمان اشاره کرد:

«درست بعد از جنگ که تیم ملی برای جام صلح به کویت رفته بود، بنده نیز به‌عنوان رئیس باشگاه استقلال تنها با ۱۱ بازیکن باقی‌مانده به جام میلز هندوستان رفتیم؛ در حین ورود به هندوستان برای سایر تیم‌ها هتل درجه ۱ در نظر گرفت و ما را به مسافرخانه فرستاد. من هرچه با سفارتخانه تماس گرفتم سفارت ما را تحویل نگرفت.»

باید فردا با تیم ایست بنگال بازی می‌کردیم. به دلیل دوران بعد از جنگ و نداشتن پول کسی تیم ما را نمی‌شناخت. در نهایت آن شب ما به فرودگاه بازگشته و در آنجا شب را به صبح رساندیم. روز بعد به رغم هیاهوی

رسانه‌ای تلویزیون هند توانستیم در حضور ۱۰۰ هزار تماشاچی، این تیم را ۳-۰ شکست دهیم.

بعد از بازی ما گفتیم به ایران برمی‌گردیم ولی به ناگاه دیدیم سروکله مسئولین سفارت ایران پیدا شد و ... در آنجا من از سفیر ایران پرسیدم نه به عنوان نماینده ورزش ایران، به عنوان یک ایرانی چرا حاضر نشدید به ما کمک کنید؟ این تأثیر ورزش بر سیاست است. خود این سفیر از میزان تأثیر این بازی بر شناساندن ایران به مردم آنجا حیرت‌زده شده بود».

در دوران سازندگی و سال‌های اولیه پس از جنگ، سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بزرگ پیشنهاد میانجیگری در از سرگیری روابط و کنار گذاردن دشمنی‌ها میان ج.ا.ا و غرب به ویژه ایالات متحده را دادند که با توجه به جنایت هولناک آمریکایی‌ها در آن زمان و تصویر مخوف آن‌ها در اذهان مردم ایران، این موضوع به هیچ‌عنوان در دستور کار تصمیم‌گیران سیاسی وقت ج.ا.ا نبود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: «سامارانش در سال ۶۷ اعلام نمود که حاضر است در رابطه با روابط ایران و آمریکا نقش مرتبط را بازی کند و حتی پیشنهاد کرد که ترتیب ملاقات نماینده ایران با رئیس‌جمهور آمریکا را بدهد. طبعاً این امر در دستور کار سیاست خارجی ایران نبود و به همین دلیل پاسخ منفی به ایشان داده شد».

اگرچه در همین سال‌ها و پس از حضور ج.ا.ا در بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ سئول، عسگری محمدیان به عنوان آخرین کشتی‌گیر ایرانی که هم‌زمان در فرنگی و آزاد کشتی گرفته بود، در فینال مسابقات کشتی و در حضور ده‌ها دوربین خبری پس از شکست از بلاگازوف روس، با حرکتی خارق‌العاده تصویر بین‌المللی ایران را تا حدودی در میان تماشاگران حاضر بهبود بخشید؛ یکی از مصاحبه‌شوندگان در توصیف حرکت وی می‌گوید: «عسگری محمدیان بلاگازوف را روی دوش ۷ دور در سالن چرخاند. تلویزیون کره این تصویر را لید خبر ورزشی خود گذاشته بود و آن را به عنوان اصل ورزش معرفی کرده بود. اگرچه ایران تنها یک مدال در آن مسابقات به دست آورده بود. بعدها در المپیک سیدنی به واسطه کار عسگری محمدیان برای او دست می‌زدند».

انتخاب سید محمد خاتمی (۱۳۷۶/۱۹۹۷) با دگر دیسی و پوست اندازی ورزش ایران در عرصه بین الملل همراه بود. او با مطرح نمودن گفتگوی تمدن‌ها موجبات ایجاد و تقویت روابط فردبه‌فرد ایرانی‌ها با غرب به‌ویژه ایالات متحده را فراهم آورد. وی با ارائه بدعتی نوین در روابط بین‌الملل، مردم دو کشور را حامی اصلی از بین بردن خصومت‌ها نامید. در این زمان بود که تعدادی از سازمان‌های بزرگ دولتی و غیردولتی ایالات متحده به دعوت وی برای گفتمان سازی «چراغ سبز» نشان دادند. جان مارکس (۲۰۱۱) روزنامه نگار و گزارشگر آمریکایی که تیم ملی کشتی ایالات متحده را برای مسابقات جام جهانی کشتی در سال ۱۹۹۸ تهران همراهی می‌نمود ضمن تمجید از ایرانی‌ها به‌عنوان مردمانی مهربان می‌نویسد:

«این اولین بار بود که نه تنها یک تیم بلکه یک هیئت آمریکایی پس از سال ۱۹۷۹ وارد ایران می‌شد. در حین ورود به سالن همه شعار «خاتمی-خاتمی» سر می‌دادند درحالی‌که ناطق نوری نامزد شکست خورده انتخابات نیز در سالن حضور داشت. در ابتدای ورود کشتی گیران آمریکایی به سالن ناگاه متوجه شدم که شعار آن‌ها تغییر و سرتاسر سالن به تشویق کشتی گیران آمریکایی می‌پردازند؛ آنجا بود که متوجه شدم ورزش تنها عرصه‌ای است که مردمان یک کشور می‌توانند به‌راحتی عقیده خود را نسبت به مردمان کشور دیگر ابراز دارند».

مطبوعات مسابقه کشتی فوریه ۱۹۹۸ را «دیپلماسی کشتی» نامیدند؛ پرچم ایالات متحده که پیش از این در ایران سوزانده می‌شد، این بار توسط ورزشکاران تومند این دو کشور حمل می‌شد. در دست گرفتن تصویر مقام معظم رهبری توسط داگلاس کشتی آمریکایی در حضور ده‌ها دوربین خبری و سیزده هزار تماشاگر حاضر در سالن پیامی بزرگ برای مردمان جهان و به شکل خاص مردمان دو کشور داشت، پیامی که در دولت هفتم و هشتم بارها و بارها تقویت گردید. چند ماه پس از این بازی‌ها و در مرحله انتخابی مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه، فوتبالیست‌های ایرانی توانستند پس از ۲۰ سال (بعد از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین) و برای اولین بار پس از

انقلاب اسلامی به بزرگ‌ترین رویداد ورزشی تکرشته‌ای جهان راه پیدا نمایند؛ یکی از مصاحبه‌شوندگان تعبیر جالبی از این اتفاق دارد:

«بعد از ورود تیم فوتبال در سال ۹۸ و صعود به جام جهانی. تمام مردم به خیابان ریختند و به جشن پرداختند. پیر و جوان. آن روز بیشتر سیاستمداران و مسئولین به‌تازگی بودند و برخی حتی ناراضی بودند که مردم حرکات زشتی انجام می‌دهند. ماشین بنده را به‌زور نگه‌داشتند و می‌گفتند بوق بزن یا بیا پایین برقص. همین اتفاق دقیقاً روز آزادسازی خرمشهر افتاد. آن روز زشت نبود ولی امروز زشت است؟ هر دو اتفاق برای مردم یک مفهوم داشت و آن هم بالا رفتن عرق و هویت ملی است. من به آن دوست و سیاستمدار عزیز عرض کردم که پس واکنش‌ها یکی است. این شمایی که این دو را عوض می‌کنی، شما جایگاه ورزش را نمی‌دانی. قهرمانان ورزشی سربازان دوران صلح ملت‌ها هستند».

درست سه روز پیش از آغاز مسابقه فوتبال ایران با ایالات متحده در مرحله گروهی جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه، مادالین آلبرایت در مصاحبه‌ای مطبوعاتی شاخه زیتونی را در دست گرفت که نشان‌دهنده تمایل آمریکایی‌ها به ازسرگیری روابط با ایران در آن زمان بود. کلینتون رئیس‌جمهور محبوب وقت ایالات متحده که توانسته بود با سیاست‌های اقتصادی صحیح و وام‌های تریلیون دلاری آمریکایی از صندوق‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را کاهش دهد در ۲۱ ژوئن هم‌زمان با روز «بازی جوانمردانه» فیفا، پیامی را برای این بازی منتشر و ابراز امیدواری کرد که این بازی گامی مهم در جهت کاهش بیگانگی مردمان دو کشور نسبت به یکدیگر باشد. خبیری (۱۳۸۰) نایب رئیس وقت فدراسیون فوتبال در یادداشت شخصی خود با عنوان «فوتبال سیاسی» یا «سیاست فوتبالی» تعبیر جالبی از اتفاقات آن بازی دارد:

«دو اصلاح «سیاست ورزشی» یا «ورزش سیاسی» مقولاتی هستند که بایستی در ابتدا درباره آن توضیحات مختصری داده شود. سیاست فوتبالی در واقع قوانین، راهبردها و اصطلاحات مختص به هر رشته یا سازمان ورزشی هست که فارغ از اغراض سیاسی اتفاق می‌افتد. نمونه آن را می‌توان به هم‌گروهی

ایران با ایالات متحده در مرحله مقدماتی جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه دید جایی که این دو تیم صرفاً توسط سیدبندی در کنار یکدیگر قرار گرفتند. از سوی دیگر فوتبال سیاسی عبارتی است که برای استفاده ابزاری از فوتبال برای ایجاد، تقویت یا حتی از بین بردن روابط سیاسی میان دو یا چند حکومت استفاده می‌شود. به‌عنوان نمونه پس از جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه تیم ایران یک بار دیگر در خاک ایالات متحده در دیداری دوستانه به مصاف این حریف رفت که در نهایت بازی با تساوی به پایان رسید. این بازی که زیر فشار و تنش سیاسی بسیار زیاد سیاستمداران دو کشور انجام گرفت، صرفاً با خواست و اراده مقامات عالی سیاسی دو کشور و به منظور تلطیف فضای میان روابط ایران و ایالات متحده انجام شد.

ساعاتی پس از پایان بازی رسمی ایران و ایالات متحده در فرانسه، کلیتون در پیامی این برد را به ایرانیان تبریک گفت و سید محمد خاتمی نیز «تلاش، سخت کوشی، همبستگی، مهارت و معنویت» را مهم تر از نتیجه بازی دانست. این موضوع خود سبب شد تا برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی ورزش وسیله‌ای برای تفکر مجدد درباره روابط میان دو کشور ایران و ایالات متحده باشد.

کمبود نمایندگان ایرانی در کرسی‌های اثرگذار بین‌المللی ورزشی زخم بزرگ دیگری است که روزه‌روز بر وخامت آن افزوده می‌شود. یکی از متخصصین در این زمینه تعداد ۲۰۰ کرسی را در نهادها و سازمان‌های ورزشی منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌المللی برای مسئولین ایرانی گزارش، حال آنکه وی تعداد کرسی‌های مؤثر را به‌اندازه تعداد انگشتان یک دست گزارش کرد. یکی از متخصصان درباره اهمیت این موضوع می‌گوید:

«نگاه کشورهای پیشرفته دنیا و هزینه‌های کلان آن‌ها برای کسب این کرسی‌ها و میزبانی رقابت‌های بین‌المللی ناباورانه است. شما در یک رقابت بین‌المللی در کوتاه‌ترین زمان به بسیاری از اهداف اقتصادی، سیاسی و ... خواهید رسید. درحالی‌که رویدادهای غیرورزشی این چنین نیست. ما بایستی به رشته‌های ورزشی که لیگ جهانی دارند توجه ویژه نماییم».

مصاحبه‌شونده دیگری در این باره می‌گوید:

«بنده خودم به شخصه بارها شاهد بودم که در انتخابات جهانی کرسی‌ها و صندلی‌های بین‌المللی، سفرای بسیاری از کشورها پس از کاندید شدن نمایندگان با روسای فدراسیون‌های کشورهای دیگر صحبت می‌کردند. آقا لطفاً به نماینده ما رأی بدید! حتی با رئیس کمیته ملی المپیک ایران صحبت می‌کنند. خوب ببینید این یعنی برای آن‌ها ورزش یک استراتژی سیاسی مهم است نه صرفاً یک موضوع سرگرمی. البته برای ما نیز ممکن است به دلیل ارتباطات فردی و دوستی‌ها این چنین تماسی صورت گیرد ولی ما استراتژی واحدی در این موضوع نداریم. کشورهای عربی حتی هزینه می‌کنند و برای خودشان رأی می‌خرند».

به‌عنوان نمونه با بررسی ساختار سازمانی فدراسیون‌های جهانی سه رشته مدال‌آور ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک (کشتی، تکواندو و وزنه‌برداری) مشاهده می‌کنیم که در رشته وزنه‌برداری تنها یک نماینده آن هم نه در سطوح فوقانی فدراسیون جهانی (رئیس، نواب رئیس، دبیر کل، رؤسای کمیسیون‌ها و ...) بلکه تنها به‌عنوان عضو یکی از کمیسیون‌ها داریم. از سوی دیگر در این ساختار افرادی با ملیت‌هایی که هیچ‌گاه وزنه‌برداران آن‌ها حتی در المپیک نیز وزنه نزدند، مشاهده می‌گردد. به‌عنوان نمونه رئیس کمیسیون مقررات فدراسیون جهانی از اردن یا رئیس کمیسیون آموزش و توسعه از سیرالئون! که خود بیش‌ازپیش نشان‌دهنده اهمیت و زواید سیاسی برای کسب این نوع صندلی‌هاست. فدراسیون تکواندو دیگر فدراسیون مدال‌آور ما در بازی‌های المپیک است که بارها در میدانی قاره‌ای و جهانی شایستگی خود را اثبات کرده است. به‌رغم حضور ما در رده دوم رتبه‌بندی جهانی این رشته، ما در هیچ‌یک از سطوح و کمیته‌های این فدراسیون نماینده‌ای نداریم که این موضوع خود جای تعجب فراوان دارد؛ به‌عنوان نمونه کشورهایمانند هنگ‌کنگ در این فدراسیون دارای نماینده در کمیسیون‌های مختلف است درحالی‌که ما در کرسی‌های این رشته نیز همانند سایر رشته‌های ورزشی گمنام هستیم. در رشته کشتی به‌عنوان پرمدال‌ترین رشته المپیکی درحالی‌که قهرمانی (فرنگی) و نایب‌قهرمانی (آزاد) جهان در سال ۲۰۱۴ را در کارنامه خود داریم، اگرچه وضعیت بهتر و در کمیسیون‌های فدراسیون بین‌المللی کشتی نمایندگان متعددی داریم

در کمیسیون‌های ورزشکاران، مربیان، کشتی‌ساحلی، تالار مشاهیر، فنی، علمی، پزشکی، رسانه و قانون‌گذاری) اما هنوز متأسفانه هیچ ایرانی عضو سطوح فوقانی (رئیس، نواب رئیس، کمیته اجرایی، خزانه‌دار، روسای شوراهای قاره‌ای) این فدراسیون نیست. یکی از متخصصین که خود سال‌ها در مسند ریاست فدراسیون ملی و عضویت در کنفدراسیون قاره‌ای حضوری فعال دارد، در این باره به نکته خوبی اشاره کرد:

«کسب کرسی‌های بین‌المللی در عرصه ورزش یک موضوع مهم و ملی است و نیازمند همکاری کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک، وزارت ورزش و جوانان و وزارت امور خارجه است. ما نیاز داریم در ابتدا هزینه‌هایی را برای به دست آوردن کرسی‌ها بپردازیم اما در ادامه و بعد از به دست آوردن آن کرسی، دیگر نیازی به هزینه کردن نیست».

وی در ادامه گفت:

«در دنیا انتخابات فدراسیون‌ها تمام تعاملی است. به‌عنوان مثال من در رأی‌گیری غرب آسیا به دلیل شرکت ۱۲ کشور عرب شرکت نکردم چراکه آن‌ها در نهایت به خودشان رأی می‌دادند. در دوره جدید آن‌ها برای اینکه انتخابات غرب آسیا باشد و نه انتخابات اعراب شرط من را پذیرفتند. شرط من این بود که ریاست را به ایران بدهند».

یکی دیگر از متخصصان ضمن اشاره به تجربه ناگوار خود در این زمینه می‌گوید: «من از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ عضو هیئت اجرایی فدراسیون اجرایی بودم. این پست در این سال به دلیل عدم شرکت در مراسم بهترین‌های فدراسیون آسیا از من گرفته شد (چراکه بنده به معرفی هم‌زمان تایلند و ایران به‌عنوان بهترین تیم‌های آسیا اعتراض کردم). من به دلیل حمایت از جایگاه و موقعیت کشورم کوتاه نیامدم و از آنجا به بعد در انتخابات بعدی من را حذف کردند. در کشور نه تنها هیچ‌کس ما را همراهی نکرد بلکه مورد مواخذه رسانه‌ها هم قرار گرفتیم که ایشان کرسی‌اش را از دست داد!»

یکی دیگر از متخصصان ضمن نارضایتی از شرایط موجود در انتخابات کرسی‌های

آسیایی و جهانی می‌گوید:

«شما از من چه توقعی دارید وقتی رئیس آن شرکت معتبر خودروسازی کره‌ای برای ریاست کنفدراسیون آسیای نامزد می‌شود؟ آیا شما با تفنگ آب‌پاش می‌توانید به جنگ تانک بروید؟ در جلوی خود من وی رأی تمام نفرات را با خودروهای شرکت خود خرید؟ حالا شما از ما چه انتظاری دارید؟».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان با نارضایتی از این موضوع عدم اتحاد و نبود استراتژی واحد در داخل کشور را موجبات تشدید این وضعیت می‌داند و می‌گوید:

«زمانی شرکت سایبا با کره‌ای‌ها قراردادهای چند میلیون دلاری داشت. شما که قرارداد اقتصادی دارید بیاید در بخش ورزش کمک کنید؛ مثلاً وقتی کرسی را از ایران به دلیل کارهای زشت و تبانی از ما می‌گیرند، شما هم می‌توانید آن‌ها را تهدید و از طریق تفاهم‌های اقتصادی بر روی آن‌ها فشار بیاورید. ما نمی‌توانیم جدا از هم باشیم و بایستی همگی به سوی هدفی مشترک پیش رویم».

در هزاره جدید ورزش ایران به نوعی انعکاس ساخت ملی کشور است؛ در دو دهه اخیر به خوبی می‌توان مشاهده نمود که هرگاه سیاست و به‌دنبال آن اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل تقویت گردیده است، ورزش ایران نیز در مسیر صعود تغییرات سینوسی موفقیت خود قرار داشته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان تعبیر جالبی از این موضوع دارد:

«اصولاً سیاست‌های جمهوری اسلامی در رابطه با کشورهای دیگر حسب مقاومت صورت می‌گیرد و اگر اراده سیاسی وجود داشته باشد آن رابطه عملی است و الا دیپلماسی ورزشی تأثیری در کار ندارد».

به نظر می‌رسد پس از گذشت قریب به ۴ دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی، سیاستمداران عرصه روابط دیپلماتیک کشور ما همچنان «ادراک ورزشی» مناسبی از قدرت دیپلماتیک ورزشکاران، داوران، مربیان و به‌طور کلی سازمان‌های ورزشی ما ندارند. هنوز به‌رغم استفاده ابزاری و غیرمستقیم سایر کشورها از ورزشی برای رساندن پیام خود به جامعه جهانی، این موضوع در دستگاه دیپلماتیک کشور ما همچنان عقیم مانده است. از یک سو نبود ارتباط میان دو بخش روابط بین‌الملل و ورزش و از سوی

دیگر دید «حیات خلوت» به ورزش در بین تصمیم‌گیران حوزه دیپلماتیک کشور موجبات از دست رفتن فرصت‌های کم‌هزینه دیپلماتیک می‌شود. یکی از متخصصین در این باره به تجربه شخصی خود اشاره و می‌گوید:

«متأسفانه به دلیل عدم ارتباط بخش دیپلماسی و سیاسی با بخش ورزش هیچ‌وقت از این فرصت‌ها استفاده نشده است. همین الان هم شرایط مهیا نیست. این گپ به جایگاه ورزش در کشور برمی‌گردد. هنوز دوستان سیاسی ما باوری از جایگاه ورزش در کشور ندارند. می‌شود با دادن اطلاعات به سیاستمداران، قضاوت‌ها را تصحیح نمود. بسیاری از سیاستمداران ما از ورزش اطلاعات کاملی ندارند. به‌عنوان نمونه سفیر ما در فلان کشور با من تماس گرفت و گفت با رئیس کمیته المپیک کشور صحبت کردم و توانستم نظرش را جلب کنم که تیم آن‌ها بیاید ایران و تیم شما بیاید اینجا. من به وی گفتم ای کاش قبلش به من زنگ می‌زدید. تیم آن‌ها رده ۵۵ دنیاست و تیم ما دوم جهان است. هزینه‌ها قابل توجیه نیست. این کشورها برای بهبود توانایی فنی بایستی هزینه کنند. خوب دلیل این موضوع این است که اطلاعات سفیر نسبت به رشته‌ای که ۱۷ سال بر سکوی جهانی قرار دارد، کم است. من در نهایت به وی پاسخ دادم به حرمت این صحبت در نهایت می‌توانیم یک اردوی مشترک با آن‌ها در آن کشور داشته باشیم.

به‌عنوان نمونه دیگر وقتی ما به مسابقات اعزام می‌شویم مشاهده می‌نماییم که در جایگاه ویژه برای افتتاحیه سفرای ۱۰ کشور مختلف در جایگاه وی‌آی‌پی می‌نشینند. ولی از سفیر یا حتی نماینده سفارت کشور ما خبری نیست. حتی در معدود دفعاتی که سفیر به دیدار ما می‌آید دلیل آن تصمیمات فردی و نه داشتن استراتژی یا راهبردی خاص در دستگاه دیپلماسی ماست».

نبود یا نداشتن ضمانت اجرایی مناسب برای داشتن یک استراتژی کلان و یک تلاش دیپلماتیک هم‌افزا (و نه جرقه‌ای) در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران سبب شده تا ورزش نیز همانند سایر ابعاد دیپلماسی عمومی مغفول مانده و نتواند خود

را به عنوان اهرمی سیاسی-اقتصادی برای رسیدن به اهداف عالی نظام مطرح نماید. چه در فضای پرتلاطم و پرتنش تحریم و انزوای سیاسی دیروز، و چه در رونق دوباره اقتصادی در دوران پساتحریم امروز، ورزش جمهوری اسلامی ایران با توانمندی و پتانسیل بالای خود در عرصه جهانی می‌تواند علاوه بر کمک به مدیریت تضاد و کاهش دشمنی‌ها، دستاوردی بزرگ برای توسعه، گفتگو و پایداری حاکمیت ج.ا.ا. در عرصه بین‌الملل فراهم آورد.

به نظر می‌رسد در برهه کنونی، افزایش شناخت، آگاهی و ادراک تصمیم‌گیران سیاسی در کنار علاقه‌مندی آن‌ها به رشته‌های ورزشی و جایگاه ورزش جمهوری اسلامی ایران می‌تواند آن‌ها را ترغیب نماید تا برنامه‌ای خاص و استراتژیک برای دیپلماسی ورزش در دستگاه وزارت خارجه داشته باشند؛ ادبیات‌سازی (تهیه مقالات، کتب و ...) در کنار گفتمان‌سازی (برگزاری هم‌اندیشی، کارگاه، سخنرانی و ...) می‌تواند راه را برای شناخت هرچه بیشتر سیاسیون از ورزش به‌عنوان ابزاری برای توسعه تعاملات دیپلماتیک افزایش دهد. از سوی دیگر پست‌های امروز در سطوح آسیا و جهانی بیشتر قائم به فعالیت‌های خود فرد و ماحصل قدرت چانه‌زنی وی است. عدم آشنایی با زبان انگلیسی، آداب دیپلماسی و نداشتن روابط عمومی مناسب در برخورد با سایر افراد باعث شده است تا به‌رغم خوب بودن به لحاظ فنی از کرسی‌ها و صندلی‌های به‌خصوص جهانی دور بمانیم. لابی‌کردن، هزینه‌کردن و مسائل سیاسی نیز می‌تواند در کسب کرسی‌های اثرگذار جهانی کمک نماید؛ در کنار این اقدامات می‌توان با حضور دائم در جلسات مربوطه، شرکت در مسابقات، برگزاری اجلاس‌ها در داخل کشور، برگزاری مسابقات رسمی بین‌المللی در داخل کشور، ارتباطات عاطفی از طریق تلفن، فاکس، ایمیل با افراد مؤثر بین‌المللی، ارسال یادبود به مناسبت‌های مختلف برای ایشان این معضل فراگیر در بین تصمیم‌گیران ورزشی کشور را مرتفع نمود.

یادداشت‌ها

1. Olympic Truth
2. Ekecheiria
3. Lycurgus of Sparta, Cleisthems of Pisa & Iphistos of Elis
4. Yao Ming
5. Niche
6. Backwater
7. Messi, Beckham & Federer
8. Falkland
9. Philip Hammond
10. Sustainability
11. Panacea
12. Chehabi
13. Fozooni
14. Emic
15. Heishman
16. Semi-Structured
17. Open Coding
18. Axial Codes
19. Peer Audit
20. Members Check
21. Contextual Relation
22. Definitive Relationship
23. Comparative
24. Influence
25. Temporal
26. Spatial
27. Mathematical

کتابنامه

- ایزدی، صمد، عابدینی، میمنت و منصوری، سیروس (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای تربیت‌بدنی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، نشریه پژوهش‌نامه علوم ورزشی، سال هفتم، شماره سیزدهم، صص ۲۰-۴۰.
- پیردافی، فاطمه (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی و مطالعات موردی»، نشریه پیام پژوهش، سال نهم، شماره ۱۰۰، ص ۳۵.
- سارخانی، باقر (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۴۱.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۴)، «طراحی و مدل‌سازی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل»، رساله دکترا دانشکده تربیت‌بدنی دانشگاه تهران، ص ۱۱۹.
- مطلبی فرد، علیرضا؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم؛ لطفی، لیلا و محبت، هدیه (۱۳۹۱)، «نشانگرهای اخلاقی مدیران آموزش عالی با رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال ششم، شماره ۲، صص ۸۷-۱۰۹.
- نصیری مقدم، مهدی (۱۳۹۱)، «تبیین رابطه جام جهانی فوتبال با روابط خارجی کشورها»، پایان‌نامه دانشکده جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس.

- Amirtash, A. M. (2005), "Iran and the Asian Games: The Largest Sports Event in the Middle East", *Sport in Society*, 8(3), pp.449-467.
- Cha, V. (2013), "The Asian Games and Diplomacy in Asia: Korea-China-Russia", *The International Journal of the History of Sport*, 30(10), pp.1176-1187.
- Chehabi, H. E. (2001), "Sport Diplomacy between the United States and Iran", *Diplomacy and Statecraft*, 12(1), pp.89-106.
- Deos, A. (2014), "Sport and Relational Public Diplomacy: The Case of New Zealand and Rugby World Cup 2011", *Sport in Society*, 17(9), pp.1170-1186.
- Fozooni, B. (2004), "Religion, Politics and Class: Conflict and Contestation in the Development of Football in Iran", *Soccer & Society*, 5(3), pp.356-370.
- Grix, J. (2012), "Image' Leveraging and Sports Mega-events: Germany and the 2006 FIFA World Cup", *Journal of Sport & Tourism*, 17(4), pp.289-312.
- Id. (2013), "Sport politics and the Olympics," *Political Studies Review*, 11(1), pp.15-25.

- Grix, J. & Houlihan, B. (2014), "Sports Mega- Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012)", *The British Journal of Politics & International Relations*, 16(4), pp.572-596.
- Li, Y. W. (2013), "Public Diplomacy Strategies of the 2008 Beijing Olympics and the 2012 London Olympics: A Comparative Study", *The International Journal of the History of Sport*, 30(15), pp.1723-1734.
- Murray, S. (2013), Moving beyond the Ping-Pong Table: Sports Diplomacy in the Modern Diplomatic Environment", *P.D. Magazine*, 9, pp.11-16.
- Id. (2013), "Sports Diplomacy", *The Hague Journal of Diplomacy*, 8(3-4), pp.191-195.
- Murray, S. & Pigman, G. A. (2014), Mapping the Relationship between International Sport and Diplomacy", *Sport in Society*, 17(9), pp.1098-1118.